

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۲ آگست ۲۰۰۹

آنانکه به "لت خوردن" عادت کرده اند،

باید "لت" بخورند!!!!

جواب نامه سایت "دیگ دله"

طنز بدون مُرچ و مصالح

(قسمت اول)

مه میگم خدا خیرت بته سایت "دیگ دله"، که موضوع خوبی در اختیارم گذاشتی!!!!!!
دلم پشت "طنز گفتن" باصطلاح زنان کابلی، "مالشت مالشت" میخورد و قلم میخواست که حتماً چیزی تقدیم
دوستان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نماید. همان بود که "ناجی" از غیب در رسید. و میدانید که این
"ناجی غیبی" کیست؟ این "ناجی غیبی" سایت "دیگ دله" است، که دلش "لت" خواسته است.
بعض کسان آنقدر به "لت خوردن" عادت کرده اند، که بدون "لت خوردن" اصلاً طاقت شان نمی آید. ازینجاست، که
حق و ناحق خود را زیر "لت" می اندازند. در سابق بچه های شوخ چشم و خلق آزاری بودند، که به "لت خوردن"
عادت کرده بودند و کارهایی می کردند، تا هرو مرو و باید مورد سرزنش و لت و کوب بزرگان قرار گیرند. چنین
بچه های شوخ را که آن جای ملائکه را از آسمان پائین میکردند، "لت پخته" و "لت خور" می نامیدند. یکی از
خواص عمده و ممیزه این بچه ها این بود، که هر قدر لت میخوردند، آخ نمی گفتند، گوئی اصلاً درد را نمی شناختند
و اوگار (افگار) نمیشدند. خاصیت دیگر اینان، آن بود که اگر مدتی "دو" و "لت" نمیخوردند، هم پشت "دو" دق
میشدند و هم پشت "لت". گوئیا "دو و لت"، "دولت" خداداد ایشان بوده است!!!!!!
حالا بچشم گنهگار و گنهکار خود میبینیم، که متصدیان "دو طلب" سایت "دیگ دله" "داو طلب" توبیخ گردیده اند؛
چون عیناً همان کارهای "لت پخته ها و لت خوران" را انجام میدهند. اینان در واقع از شلاق خوردن، لذت میبرند،
عیناً به مانند همان شهوت پرستان سادیست اروپائی که "لذت" مطلق خود را در "شکنجه دیدن"، "دشنام شنیدن" و
"لت خوردن"، کشف کرده اند.

من از اول بدین عقیده بودم، که سایت "دیگ دله" و متصدیان پند ناپذیرش، باید همیشه زیر ضربات "ماروفی
صایب" قرار داشته باشند. اما دوستان دلسوز ازین مسکین بار بار و با الحاح افغانی خواهش کردند و گفتند :

« به لیاخ خدا، پشت سایت افغان جرمن را ایلا کنین و بر متصدیانش اجازه بتین، که خوده اصلا (اصلاح) کنن....»

امر و فرمایش مکرر دوستان مرا متقاعد ساخته و بر آنم داشته بود، تا ازین به بعد از سر کل سایت "دیگ دله"
دست بردارم. و اتفاقاً در حدود یک ماه پیش خود متصدیان سایت "دیگ دله" ایمیلی بما فرستاده و ضمن ارسال یک

مضمون المانی، از ما خواهش نموده بودند، تا آنرا ترجمه کرده و آن ترجمه را در دسترس شان قرار بدهیم. ایشان در همین نامه خود از ما خواسته بودند، که دیگر آزار شان ندهیم. اما مثلی که "انگریز مشربان"، به مورال دوگانه و به اصطلاح قدیم به "منافقت" خو گرفته اند، در یک دست قرآن و در دست دیگر خنجر را نگهدارند. تا اگر حریف مسلمان به احترام قرآن مجید، دست از ستیز برداشت، بعد با خاطر آسوده، خنجر خود را در پشتش حواله کنند. و این شیوه ایست، که اختیارداران سایت "دیگ دلد" بار بار از خود نشان داده اند. تکرار چنین بی مبالائی ها و بدماشی ها (بد معاشی ها) مکرر اندر مکرر متصدیان سایت "دیگ دلد" تحت رهبری "مفتن کبیر" و "مایه فساد اعظم" یعنی "دیپلوم انجینیر کریم عطائی"، بر آنم میدارد، که ازین به بعد نه گول چاپلوسی های متصدیان سایت "دیگ دلد" را بخورم و نه به پندهای دوستان گوش بدهم. ازین به بعد توسن قلم را رها میکنم، تا هر طوری و هر وقتی که دلش بخواهد، بر متصدیان "بزدل"، "اصلاح ناپذیر" و "منافق" سایت "دیگ دلد" بتازد. در آن وقت است، که مگر خدا بدادشان برسد!!!!!!

مردم ما از قدیم ها ضرب المثل "بز" و "نان چوپان" را درست کرده اند و چه داهیانه درست کرده اند!!!

فرستادن ایمیل "دیگ دلد"، فحوائ این مثل را در شان متصدیان صادق می سازد!!!

قراری که اداره پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نوشت، دیروز در ساعات صبح ایمیل سایت "دیگ دلد" بدین مضمون به پورتال رسید :

« زمانی که حدوداً یک سال پیش پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پا به عرصه وجود گذاشت، هیچ کس باور نمیکرد، که این صفحه انترنتی افغانی، به فرموده حضرت حافظ، "یکشبه ره صد ساله" را ببیماید و سمت پیشقراول تمام صفحات انترنتی افغانان را بخود اختیار نماید. صرف نظر از اهداف عالی ملی و آزادیخواهانه پورتال، که در هیچ سایت انترنتی دیگر افغانی سراغ نمیکردد، اگر از نگاه پهنا و طیف کار و فعالیت آن سخن رود، بدون شک بدین نتیجه میرسیم، که هیچ صفحه انترنتی افغانی را یارای مقابله و ایستادگی با آن نیست.

چتیات گفته شده دور از حقیقت بوده لطفاً خود را مسخره نکنید. اینترنت بصورت عموم از گفتار های بدون مسؤولیت لبریز بوده و هر انسان درحقیقت امر بسیار ذلیل کوشش میکند در آن از خود یک شخصیت خیالی ساخته و با آن زندگی نماید. کوشش نکنید خود را فریب دهید، یکبار به نوشته های نعمت الله، عظیم بامیانی، هیوادوال کابلی، عبدالمتین کوهدامنی، اداره پورتال و غیره نگاه کنید و اندکی تعمق کنید. همه این نوشته ها محصول یک فابریکه که مسما به فابریکه چتیات میباشد بوده نویسنده آن کوشش میکند خود و دیگران را گول بزند. این طرز العمل کار یک ادیب و دانشمند نبوده، امید در آینده خود را اصلاح فرمائید. وگرنه خود به ریش خود ریشخند میزنید.

با احترام « (ختم نامه سایت "دیگ دلد") از خواندن نوشته بالا که قسمت اولش نقل قول از مقاله مؤرخ دهم آگست این بنده الله، زیر عنوان « پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - سنگر پولادین "شعر و ادب" » است، به بهت اندر گشتم. و آن به خاطری که متصدیان "کله گنجشکی" سایت "دیگ دلد" خواسته اند از قبول بدیهیات سر باز زنند. وقتی نوشته این دالخوران را خواندم، بی محابا گفتم:

ریشخند به ریش!!!!

من بار اول یک ترکیب سایت "دیگ دلد" را تیمناً و تبرکاً در نوشته خود جا دادم، از دستی که خوشم آمده بود. بلی؛ مصدر ترکیبی "ریشخند زدن به ریش"، ادب و منطق را تا آسمان هفتم و تا سدره المنتها بالا میبرد و وقتی که چنین است، چرا ما خوشه چینان، ازین خرمن ادبیات و منطق، خوشه ای نچینیم؟؟؟

بابا جان؛ او صایب مهربان:

"ریشخند" معنای "خنده به ریش" را میدهد، و وقتی که چنین است، آن "ریش" دیگر مگر بلا می طلبد، که بدنبالش آمده است؟؟؟؟ ترکیب بی منطق "ریشخند به ریش" نظیر آنست، که کسی از بهر مثال "نمک شور" بگوید، یا "شکر شیرین" یا "آب تر". او خانه پر پلو؛ "نمک" خود "شور" و "شکر" خود "شیرین" و "آب" خود "تر" است. آوردن صفات "شور" و "شیرین" و "تر" برای "نمک" و "شکر" و "آب" نه تنها بی منطق است، بلکه چیزی در حد "لهو و لعب" هم هست!!!! اما "کله گنجشکیان" کجا و "منطق" کجا؟؟؟

ادامه در آینده